

ساخت داخلی فضاهای ذهنی در استعاره‌های داستان «رستم و سهراب» بر اساس نظریه‌ی شناختی فوکونیه

ابوالفضل مصفا جهرمی^۱

عظیم جبارہ ناصرو^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبیات فارسی سمبولیک بودن آن است و استعاره از نگاه شناختی از موضوعات جدید در این حوزه به شمار می‌رود. نگارندگان در این پژوهش می‌کوشند با بررسی استعاره‌های داستان «رستم و سهراب» بر اساس مدل شناختی فضاهای ذهنی فوکونیه و ساخت داخلی آن یعنی فریم‌ها پردازند. بر اساس نظریه‌ی فوکونیه، استعاره، رفتن از یک فضای ذهنی به فضای دیگر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد فضاهایی که استعاره‌های متن رستم و سهراب بر اساس آن‌ها شکل گرفته است، در چهار دسته قرار می‌گیرد: نخست، استعاره‌هایی که می‌توان برای آن‌ها یک فریم کلی‌تر در نظر گرفت و همه را در قالب یک فضای ذهنی تحلیل کرد. فریم قدرت بر همه‌ی این استعاره‌ها مسلط است؛ گروه دوم، استعاره‌هایی که فریم پیوند دهنده برای آن‌ها در گفتمان شعر نقش چندانی بازی نمی‌کند؛ دسته‌ی سوم، استعاره‌هایی که فرایندی محسوب می‌شوند و یکی از فضاها با یک فریم فرایندی (فعلی) مرتبط می‌شود؛ مهم‌ترین ویژگی این دسته این است که قسمت‌هایی از فریم در متن فعال هستند. فریم‌های فرایندی از این نظر در خور توجه هستند که وقوع برخی کلمات در شعر را توجیه می‌کنند و گفتمان متن را شکل می‌دهند. دسته‌ی چهارم استعاره‌ها از این نظر در خور توجه هستند که مسیر استعاری را از انتزاعی به عینی دنبال می‌کنند و از این دیدگاه در تقابل با سایر استعاره‌های متن هستند که مسیر حرکت استعاره‌ای آن‌ها از عینی به انتزاعی یا از انتزاعی به انتزاعی‌تر است.

واژه‌های کلیدی: استعاره، رستم و سهراب، شاهنامه، فریم، فضاهای زبانی، نگاشت.

^۱ استادیار زبان‌شناسی دانشگاه جهرم (ایران) (نویسنده مسئول) a.mosaffa.jahromi@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0002-2906-293X>

^۲ . دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جهرم (ایران) azim.jabbareh@jahromu.ac.ir

<http://orcid.org/0000000212361765>

۱- مقدمه

استعاره از جمله موضوعاتی است که همواره در ادبیات مطرح بوده است و از دیدگاه‌های مختلف به آن نگاه شده است. از جمله رهیافت‌های جدید، نگاه شناختی به استعاره است که می‌توان در نظریه‌ی فوکونیه (Fauconnier, 1994) یافت. از نگاه فوکونیه، استعاره در قالب فضاهای ذهنی و رفتن از یک فضا به فضای دیگر قابل تحلیل است. ویژگی رهیافت فضاهای ذهنی و کلا نگاه شناختی به استعاره این است که استعاره بسیار انعطاف‌پذیر و گسترده‌تر از استعاره در نگاه سنتی از جمله ادبیات محسوب می‌شود. استعاره‌های متن در چند دسته قرار می‌گیرند که همگی در قالب رفتن از یک فضای ذهنی به فضای ذهنی دیگر در قالب فضاهای ذهنی مطرح شده در فوکونیه (Fauconnier, 1994) تحلیل می‌شوند؛ ولی از این نظر تفاوت نشان می‌دهند که چه فضاهایی ممکن است در گفتمان فعال شوند یا فعال‌تر باشند. برخی از استعاره‌ها در متن را می‌توان در قالب فریم‌های کلی‌تر تحلیل کرد که خود میانجی میان استعاره و کلمات موجود در متن محسوب می‌شوند و در دسته‌ی دیگری این فریم‌های کلی‌تر کم رنگ است و می‌توان از گفتمان متن حذف کرد. دسته‌ی دیگری از استعاره‌ها در متن وجود دارد که عنوان استعاره‌های فرایندی به خود گرفته‌اند به دلیل اینکه با یک فضای ذهنی فرایندی (فعلی بودن) در ارتباط هستند. این استعاره‌ها در متون ادبی به عنوان استعاره‌های مکینه شناخته می‌شوند و در تقابل با سایر استعاره‌های متن هستند؛ چون فریم آن‌ها بسیار فعال است و عناصری از فریم آن‌ها در متن ظهور ذهنی دارند. دسته‌ی دیگری از استعاره‌های متن از نظر مسیر انتزاعی بودن قابل توجه هستند و تقابل گفتمانی ایجاد می‌کنند. این استعاره‌ها بر خلاف سایر استعاره‌های متن، مسیر انتزاع از انتزاعی به عینی است و این در حالی است که استعاره‌های متن همواره از عینی به انتزاعی یا از انتزاعی به انتزاعی‌تر سیر می‌کنند. مسیر حرکت استعاری این دسته برای زبانشناسی شناختی در خور توجه است به دلیل اینکه لیکاف و جانسون استعاره‌ها را ساخت‌هایی شناختی می‌دانند که از محدوده و فضایی عینی به فضایی انتزاعی نگاشت می‌شوند (Lakoff and Johnson, 1980:4). بررسی متن بر اساس مدل فضاهای ذهنی، امکان بررسی گفتمانی و تقابل آن‌ها در قالب استعاره‌های متن را فراهم و تصویری روشن از انتزاع‌ها را فراهم می‌کند. بررسی استعاره‌های متن نشان می‌دهد که فریم‌ها و فضاهای مرتبط با استعاره‌ها، متن را در فضاهایی

متاثر از نیروهای طبیعی و تجربیات روزمره فرافکن می‌کنند و گفتمان متن همواره تحت کنترل این عوامل است.

۱-۱. مبانی نظری

نظریه‌های سنتی فرض بر این دارند که می‌توانند معنا را به خوبی با ابزارهای منطق صوری (formal logic) در زبان‌های طبیعی بررسی کنند؛ ولی فوکونیه تشخیص داد که بسیاری از پدیده‌ها در قالب منطق صوری قابل تحلیل نیستند و نیازمند مدل شناختی برای توجیه آن‌ها هستیم؛ از جمله استعاره‌ها به دلیل اینکه موضوعی شناختی هستند. شناختی بودن استعاره‌ها آن‌ها را متفاوت از نظریه‌های منطقی می‌کند به دلیل اینکه نظریه‌های منطقی تنها می‌توانند در مورد واقعیت‌های ملموس صحبت کنند نه ساخت‌های تصویری (Fauconnier, 1997:xiv) بنابراین فضاهای ذهنی نه تنها راهی برای حل معماهای سنتی بوده است، بلکه راهی برای حل موضوعات جدید محسوب می‌شود.

در تحلیل‌های زبانی توجه عمده بر سطوح زبانی در صورت‌های مختلف بوده است در حالی که اخیراً تاکید از صورت به شبکه‌ها و ساخت‌هایی که این صورت‌ها به آن‌ها وابسته هستند، تغییر کرده است. مهم‌ترین این ساخت‌ها، فریم‌ها و شبکه‌ها هستند. استعاره‌ها نیز از جمله موضوعات قابل تحلیل در این مدل هستند و در آن‌ها گسترش شبکه مفهومی (همان: ۴) صورت می‌گیرد.

فوکونیه (همان: ۱۶) در کتاب ارزشمند «فضاهای ذهنی» فضاهای ذهنی را ساخت‌هایی متمایز از ساخت‌های زبانی می‌داند که در هرگفتمانی توسط عبارات زبانی ساخته می‌شوند. عبارات‌های زبانی باعث تشکیل فضاهای جدید و ارتباطات جدید می‌شوند. از آغاز فضاهای ذهنی (Fauconnier, 1994 and 1997) این نظریه به سرعت از یک نظریه‌ی معنایی به یک نظریه‌ی شناختی تبدیل شده است که مفهوم‌سازی بشر در بسیاری زمینه‌ها را می‌تواند توجیه کند. به پیروی از ماندلر (Mandler, 2004: 59-89) فضاهای ذهنی دانش خواگاه و ناخودآگاه را دربرمی‌گیرد و ابعاد این دانش در گفتمان و فعال شدن آن شفاف می‌شود. بنابراین فضاهای ذهنی این توان را دارند که قسمت زیادی از دانش در گفتمان را تحت پوشش قرار دهند؛ ولی نمی‌توانند دقیقاً بیان کنند که چه قسمتی از دانش توسط زبان فعال خواهد شد (Fauconnier, 1994:152)